



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۱/۰۳

نویسنده: بهادر ا کومار
منبع: اندین پنج لاین ۳۰ دسمبر
مترجم: رسول رحیم

ایران نقش عربستان سعودی را در بازی پایانی افغانستان به چلنج می کشاند

همان طوری که مسلماً پس از هر روزی شب می آید، در آستانه زمانی که عربستان سعودی در پروسه گفت و گوهای افغانی در حال گرفتن نقش رهبری کننده هست، تهران از پروسه صلح مشابهی پرده برداشت که شامل طالبان می گردد.

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت خارجه ایران، در تهران به طور بسیار دراماتیک اعلام نمود که آن کشور، میزبان یک هیئت از جانب طالبان برای مذاکره روی طرق ممکن پایان دادن به منازعه در افغانستان بوده است. قاسمی افشا نمود که این گفت و گو های «گسترده» به روز یکشنبه در سطح عباس عراقی معاون وزارت خارجه انجام یافته و در مورد آن با حکومت افغانستان «هم آهنگی» صورت گرفته بود. در مورد جزئیات این موضوع او چیزی نگفته است.

قاسمی توضیح نمود که: «از آن جایی که طالبان بیش از ۵۰ در صد افغانستان را در کنترل دارند و با توجه به ناامنی، بی ثباتی و سائر مسائلی که این کشور با آن درگیر اند، طالبان علاقه مند گفت و گو با ایران بودند.» او اشارت نمود که چون ایران یک سرحد طولانی با افغانستان دارد، «همیشه خواسته است تا یک نقش سازنده در حفظ صلح منطقه بازی کند.»

قاسمی گفت که دیدار هیئت طالبان از تهران به دنبال مذاکرات اخیر علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران از کابل به تاریخ ۲۶ دسمبر صورت گرفته است و مقامات افغانستان از این نشست و مذاکرات «کاملاً آگاه اند.» قاسمی علاوه نمود که هدف اساسی تهران «تسهیل» گفت و گو بین گروه های افغانی و اداره کابل به منظور پیشرفت پروسه صلح است. او گفت عراقی برنامه دارد تا به زودی برای دنبال کردن این مذاکرات به کابل برود. بسیار غیر محتمل است که مسیر حرکی سعودیها و ایران گاهی باهم تلاقی کند، بهترین آرزومندی در آنست که با هم تصادم نکنند. آنچه می تواند در آینده نزدیک اتفاق بیفتد آنست که سرنوشت بازی نهائی در افغانستان بدون آنکه به نتیجه ای نهائی برسد، شاید نامعلوم بماند. اما این امیدواری وجود دارد که دولتهای منطقوی مانند روسیه و هند دیگر آن عمل انجام شده را نپذیرند که نتیجه تصامیم دسته چهارگانه، یعنی ایالات متحد امریکا، عربستان سعودی، امارات متحد عربی و پاکستان می باشد.

به عین ترتیب گروههای غیر افغانی نمی توانند از تلاش باز ایستند هرگاه شک داشته باشند که راه حل صلح آمیز توسط پروسه تحت رهبری دسته چهارگانه، منافع مشروع آنها را تهدید نماید. گروههای با نفوذ افغانی از شمال، غرب و سطح مرتفع مرکزی افغانستان با رنجش به راه حلی می نگرند که شاید بر کشورشان تحمیل شود. و شگفت انگیز آنکه عین قدرتهای بیرون منطقوی و پاکستان که در اوایل سالهای ۱۹۹۰ به طالبان بال و پر داده، به صحنه افغانستان آورده و امکان فتح کابل در سال ۱۹۹۶ توسط آنها را ممکن گردانیدند، دو باره به مثابه اربابان صلح و آشتی با طالبان ظهور کرده اند.

آنچه بیشتر مایه نگرانی تهران می گردد اینست که ایالات متحد امریکا، عربستان سعودی و امارات متحد عربی، قدرتهای کهنه کار در استفاده از گروه های معتقد به اسلام سیاسی افراطی (اسلامیسم) به حیث ابزار جیوپولتیکی می باشند. برخی شواهد وجود دارند که آن جنگجویان داعش که در سوریه و عراق شکست خورده اند، درحال انتقال یافتن به افغانستان می باشند. دولتهای منطقوی با یک طیف داعش مواجه می باشند که صلح و ثبات را تضعیف می کنند. سفر منطقوی اخیر شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان، این موانع را برملا گردانید.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی

حدس زده می شود که تهران این کار را برای آن انجام داده باشد تا فضائی برای ایستادگی طالبان در برابر فشارهایی از جانب پروسه کشور های دسته چهارگانه ایجاد نماید. تهران به طور خاص مخالف هرگونه راه حلی برای افغانستان است که امکان حضور نظامی دوامدار ایالات متحد امریکا را در منطقه بدهد. تهران براین باور است که ایالات متحد امریکا، عربستان سعودی و امارات متحد عربی مشترکاً پروژه ئی برای تغییر رژیم در ایران را جلو می برند و تردیدی به خود راه نمی دهند که از افغانستان به مثابه یک تخته پرش برای تقویت تروریسم در آنسوی مرز و بی ثبات گردانیدن ایران استفاده کنند. به طور خلص تهران از این هراس دارد که هدف ایالات متحد امریکا در افغانستان ایجاد یک اوضاع مانند سوریه در منطقه است که بتواند ایران را به خشونت و انارشی بکشاند.

تضادهائی که ظهور کرده اند، تنها به یک طریق حل شده می توانند و آن اینکه پاکستان روی موضع اعلام شده اش بیایستد یعنی در هرگونه راه حل افغانستان، به اجماع منطقی اولویت بدهد. با وجود این، دستهای پاکستان هنگامی بسته شد که اخیراً کمکهای مالی دولتی چندین میلیارد دالری از عربستان سعودی و امارات متحد عربی را به منظور مقابله با بحران اقتصادی اش پذیرفت (گفته می شود که بالغ بر ۱۲ میلیارد دالر می شود). پاکستان می توانست به صندوق بین المللی پول مراجعه کند، اما ایالات متحد امریکا این امر را دشوار گردانید. بالاخر امریکا ترفند زیرکانه ای به کار برد و از عربستان سعودی و امارات متحد عربی خواست تا برای نجات پاکستان سر کیسه های شان را شل کنند. همین کافی است تا گفته شود که زعامت پاکستان دیگر نمی تواند با دستورهای عربستان سعودی و امارات متحد عربی در قسمت حل منازعه افغانستان مقابله کند.

برعکس آن، بسیاری کشورهای منطقی مانند ایران، قطر و به خصوص ترکیه از زاویه دید کاملاً دیگری به عربستان سعودی و امارات نگاه می کنند که ریشه در خوف و بیزاری دارد. آنها با رنجش نظاره می کنند که برنده واقعی عربستان سعودی خواهد بود.

واقعاً این یک شاهکار خواهد بود هرگاه رژیم سعودی نقش صلح آفرین را در یک برهه زمانی بگیرد که حیثیت بین المللی اش به دنبال کشتن بیرحمانه جمال خاشقجی به شدت آسیب دیده است. طنز مساله در آنست که سعودیها وظیفه نجات دادن ایالات متحد امریکا را از جنگ ۱۷ ساله افغانستان به عهده گرفته است. نباید اشتباه کرد که ریاض اهمیتش را به مثابه یک متحد بی همتای ایالات متحد امریکا در منطقه خاور میانه اسلامی به نمایش قرار می دهد. ریاض می خواهد احساس بهتری را در کانگرس و رسانه های ایالات متحد امریکا مستولی سازد که همینها سرو صدای مجازات رژیم سعودی را به دلیل قتل خاشقجی به راه انداخته بودند.

پایان